

وام دولتی برای گسترش کشف حجاب

۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۴ ساعت ۲۲:۱۱

تولیت آستان قدس رضوی نیز در نامه‌ای به رئیس‌الوزراء از توسعه پدیده بی‌حجابی در مشهد اظهار خشنودی کرده و به وی مژده داد که قصد دارد به زودی ورود خانمهای محجبه به صحن و حرم مطهر امام رضا(ع) و بیوتات شریفه ممنوع شود.

از جمله تقلیدهایی که رضاخان تلاش کرد از روی عملکرد آتاترک در ایران انجام دهد موضوع کشف حجاب بود. شاه مجاب شده بود که چنانچه زنان ایرانی، حجاب ملی و دینی خود را کنار بگذارند و ملبس به لباسهایی شوند که زنان فرنگ می‌پوشند؛ می‌توانند در سایر وجوه و شئون اجتماعی نیز، مانند فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی زنان فرنگ با آنان برابری کنند! کشف حجاب رضاخانی به نوعی تهدید «ناموس ملی» و رواج نوع جدیدی از «ابتذال» بود و به همین جهت با مخالفت صریح، قاطع و مستمر روحانیت و طبقات مختلف اجتماع مواجه شد. البته رضاخان در آن اقدام فرهنگی! از انواع روش‌های خشن نظامی - پلیسی استفاده کرد. چادر را از سر زنها، در ملأعام کشید. آنان را مجبور نمود که با برهنگی و بدون حجاب در جامعه حضور پیدا کنند - در این راه از تطمیع، تهدید، پول و وعده دریغ نشد و...

چه بسیار بانوان مؤمنه‌ای که حجاب ملی و دینی‌شان را با بذل خونهای پاکشان پاس داشتند.

اما موضوع کشف حجاب در کشوری مانند ایران که همه جمعیتش مسلمان هستند، با دشواریهای فراوانی روبرو شد. در این مقاله با ارائه اسنادی تلاش شده تا ضمن نشان دادن تلاش حکومتگران برای اجرای کشف حجاب، گوشه‌هایی از مقاومت مردمی نیز به تصویر کشیده شود.

روز ۲۲ دی ۱۳۱۴ یعنی ۵ روز پس از دستور رضاخان برای کشف حجاب، میرزا علی اکبرخان داور وزیر مالیه طی بخشنامه‌ای برای ادارات مالیه سراسر کشور، مقرر کرد که به مأمورین دولتی متناسب با حقوق‌شان وام داده شود تا با انگیزه بیشتری به مقابله با حجاب زنان بپردازند. در این بخشنامه تأکید شده برای مأمورینی که حقوقشان تا سقف ۲۰۰ ریال است، یک وام ۲۰۰ ریالی و به مأمورینی که بیش از این رقم را دریافت می‌دارند مطابق میزان حقوق ماهانه‌شان وام داده شود و از پایان حقوق بهمن آنها تا مدت ۶ ماه مهلت داده شود وام دریافتی را در ۶ قسط بازگردانند. (۱)

فتح‌الله پاکروان تولیت آستان قدس رضوی نیز در نامه‌ای به رئیس‌الوزراء از توسعه پدیده بی‌حجابی در مشهد اظهار خشنودی کرده

و به وی مژده داد که قصد دارد به زودی ورود خانمهای محجبه به صحن و حرم مطهر امام رضا(ع) و بیوتات شریفه ممنوع شود و از ورود زنان چادری به حرم جلوگیری به عمل آید. وی سپس از رئیس الوزرا خواست مراتب را به «خاکپای ملوکانه» برساند. (۲)

در همین رابطه به موجب نامه دیگری از محمود جم نخست وزیر به تولیت آستان قدس رضوی برای شرکت زنان بی حجاب در مساجد و روضه و آستانه، ترتیب خاص وجود ندارد. حتی تأکید شده که «اگر میسر است در مجالس روضه، زنان و مردان روی نیمکت یا صندلی بنشینند». (۳)

گزارش دیگری حاکی است که ابوالقاسم فروهر وزیر کشور در ۱۵ اسفند ۱۳۱۶ طی بخشنامه‌ای به کلیه وزارتخانه‌ها به مخالفت بسیاری از مأموران دولتی با روند کشف حجاب اشاره کرده و هشدار داده که مأموران خاطی تحت پیگرد قرار می گیرند. در این بخشنامه تصریح شده که مأموران دولتی از بیرون آوردن همسران خود از منزل امتناع می ورزند. (۴)

در ۲۸ شهریور ۱۳۱۷، از «حکومت سبزوار» نامه محرمانه‌ای به وزارت داخله (وزارت کشور) نوشته شد. در این نامه، شهریوی حاکم سبزوار با اشاره به اینکه به هنگام دعوت از مقامات محلی و همسرانشان برای حضور بدون حجاب در جشنها بسیاری از آنان دعوت را نمی پذیرند تصریح شده بود «در مراسم جشنی که به مناسبت وصول خبر نامزدی قریب الوقوع ولیعهد با فوزیه (مراسم عقد محمدرضا پهلوی و فوزیه روز ۲۴ اسفند ۱۳۱۷ در قاهره برگزار شد) ترتیب یافت از ۱۳۶ نفر مدعو در مجلس ۱۰۶ نفر یا نیامدند و یا بدون همسر خود حاضر شدند. وقتی قضیه را با شهربانی مطرح کردیم غائبین عموماً یا خبر از بارداری همسرانشان، یا وضع حمل آنها، یا مریض بودن آنها دادند و یا مدعی شدند که همسرشان در مسافرت بوده است. برای اینکه موضوع روشن شود کمی بعد دستور داده شد عموم آنها به مجلس روضه و وعظ و خطابه دعوت شوند تا مشخص شود که ادعاهایی که بابت غیبت بانوان خود مطرح کرده اند، درست بوده است یا خیر. (۵)

در نامه دیگری که به تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۲۰ از سوی استاندار کرمان برای وزارت کشور نوشته شده، آمده است که در جشن فرهنگ روز ۱۵ بهمن از مجموعه آقایان رؤسای لشکری و کشوری دعوت شده به مراسم تنها سه نفر از بانوان آنها شرکت کردند و سایر آقایان تعمداً بانوان خود را نیاوردند. استاندار کرمان سپس با خشم می نویسد «بنده احساس می کنم که ارتجاع دوباره مشغول نشو و نماست و اگر جلوگیری نشود عنقریب روضه خوانی و شیون زنان و راه انداختن کتل و چادر سیاه و پیچه دوباره عرض اندام خواهد کرد. (۶)

در نامه‌ای که محمود جم رئیس الوزراء در آبان ۱۳۱۶ به دفتر مخصوص شاهنشاهی نوشته از قول استاندار خراسان متذکر شده که در بعضی نقاط این استان از جمله قائن و قصبه کاخک عمل کشف حجاب پیشرفت نداشته و به همین دلیل به توصیه استاندار مذکور خواستار جلب موافقت دفتر مخصوص شاهنشاه برای بازداشت و تبعید «عاملان تحریک» گردیده. طبق اسناد، دفتر مخصوص شاه نیز در نوشته خود در حاشیه نامه با این توصیه موافقت کرده و در نتیجه محمود جم در نامه دیگری به استاندار خراسان خواستار بازداشت و تبعید عاملان عدم پیشرفت کار کشف حجاب در منطقه شده است. (۷)

روز ۳۰ خرداد ۱۳۱۵ حاکم کاشمر در نامه‌ای به استاندار خراسان که نسخه‌ای از آن برای وزارت داخله نیز ارسال شد، در بیان اقدامات خود نوشت که به حمام‌های زنانه اخطار کرده که زنان بدون کلاه و با چارقد را راه ندهند حتی مأمورینی را نیز گماشته که میزان انجام وظیفه حمام‌داران زنانه را گزارش کنند. طبق این نامه به گاراژداران نیز تأکید شده که از سوار کردن زنانی که چارقد دارند و کلاه به سر نمی‌گذارند خودداری ورزند. در پایان نامه تصریح شده که برای گرفتن بهانه از زنانی که مدعی هستند پول لازم برای تأمین هزینه تهیه کلاه را ندارند نیز به نمودوزان دستور داده شده که «از نمود کلاه بسازند» و آنها را ارزان عرضه کنند. (۸)

در نامه دیگری نماینده معارف دامغان در ۲۲ دی ۱۳۱۵ به وزارت معارف و اوقاف مرکز می‌نویسد در جشن کشف حجاب ۱۷ دی امسال که در سالن دبستان پهلوی منعقد شده بود جز حکمران، فرمانده امنیه، رئیس شهربانی و پزشک بهداری و همچنین چند عضو اداره معارف کسی حضور نداشت و علت آن همانا عدم پیشرفت صحیح «تجدد نسوان دامغان» بود. (۹)

در نامه دیگری مدیر دفتر پست و تلگراف گناباد در ۳۱ خرداد ۱۳۱۴ به رئیس‌الوزرا می‌نویسد: در مدت ۲۰ روزی که من در این قصبه وارد شده‌ام ۲۰ زن ندیده‌ام تا ناظر بر میزان پیشرفت کشف حجاب آنها باشم. فقط معدودی اعضای خانواده مأمورین شهربانی کشف حجاب را رعایت می‌کردند حتی زنان برای حمام رفتن در ساعات شب از طریق بامهای متصل به هم خود را به حمام می‌رسانند. (۱۰)

این مقاومتها و مشکلات ناشی از آن بود که رضاشاه نتوانست این حقیقت را بفهمد که مبارزه با حجاب در کشوری که دین سرمایه اصلی مردم است مبارزه‌ای بی‌حاصل است.

در بعضی نوشته‌های اشرف دختر رضاخان پهلوی دیده شده که وی از اقدام پدر خود در مورد کشف حجاب با طعنه و انتقاد یاد می‌کرد. اشرف در یک جا گفته بود:

«در شرایطی که من هرگز احساس نکرده بودم که وی (رضاخان) مایل است از کنترل شدیدی که درخانه نسبت به ما اعمال می‌کرد، بکاهد، تصمیم گرفت که ملکه، خواهرم، شمس و مرا بدون چادر به مردم تهران نشان دهد! پدرم در خانه حالت مردان یک نسل قبل را داشت. خوب به خاطر دارم که یک روز با پیراهنی بی‌آستین سر ناهار حاضر شدم و او دستور داد که فوراً بروم و پیراهنم را عوض کنم. اما به عنوان پادشاه حاضر شده بود احساس‌های شدید شخصی خود را کنار بگذارد. قرار شد من و مادرم و خواهرم شمس بدون چادر و بی‌حجاب در مراسم جشن فارغ‌التحصیلی دانشسرای تهران شرکت کنیم. در زمستان ۱۳۱۴ بود که مردم برای اولین بار روی ملکه ایران و دخترانش را دیدند. (۱۱)

پی‌نویس‌ها:

۱. خشونت و فرهنگ، اسناد محرمانه کشف حجاب (۱۳۲۲-۱۳۱۳)، چاپ اول، تهران، سازمان اسناد ملی ایران (مدیریت پژوهش، انتشارات و آموزش)، ۱۳۷۱، ص ۸.
۲. جعفری، مرتضی، واقعه کشف حجاب، چاپ اول، تهران، سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی و مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۱، ص ۱۹۰.
۳. جعفری، همان، ص ۱۴۴.
۴. خشونت، همان، صص ۲۵ و ۲۶.
۵. خشونت، همان، ص ۱۳۳.
۶. خشونت، همان، ص ۲۳۵.
۷. خشونت، همان، ص ۱۸۲.
۸. خشونت، همان، ص ۱۶۷.
۹. خشونت، همان، ص ۱۰۸.
۱۰. خشونت، همان، ص ۱۷۶.
۱۱. پهلوی، اشرف، من و برادرم، چاپ اول، نشر علم، ۱۳۷۵، صص ۶۸ و ۶۹.

منبع: کشف حجاب از سوی رضاخان، با بیست‌ساله‌ها، مرکز بررسی اسناد تاریخ، مشرق نیوز

